Archi

فصلنامه «پژوهش‌های انقلاب اسلامی»
انجمن علمی انقلاب اسلامی ایران
سال هفتم، زمستان ۱۳۹۷، شماره ۲۷
صفحات ۹۵ ـ ۶۷

Islamic Revolution Researches
Scientific Association of Islamic Revolution In Iran
Vol. ۷, Winter ۲۰۱۸, No ۲۷

آسیب شناسی الگوی عدالت در دولت¬های جمهوری اسلامی ایران با تاکید بر اندیشه مطهری و امام خمینی

جعفر رضایی*
علی علی حسینی**
سیدجواد امام جمعه زاده***
علیرضا آقاحسینی****

چکیده

عدالت از کانونی‌ترین آموزه‌های قرآنی و اسلامی است که در اندیشه‌های سیا سی – اجتماعی رهبران انقلاب ا سلامی همانند امام خمینی و شهید آیت الله مطهری بازتاب بسیاری یافته است. اما به رغم آن که شعار عدالت اجتماعی و اجرای آن از سیاست‌های اصلی دولت¬های بعد از انقلاب بوده، مسئله عدالت در کارنامه جمهوری اسلامی تا به امروز وضعیت مطلوبی ندا شته ا ست. بر این ا ساس، این پر سش مطرح می¬ شود که چرا با همه سفارش‌هایی که در آموزه‌های دینی و تاکید رهبران انقلاب در باب عدالت اجتماعی و مباحث مربوط به آن وجود دارد عدالت در جامعه ما حضوری شایسته ندارد؟ در این مقاله با استفاده از روش تحلیل مقایسه‌ای تلاش می¬شود با تاکید بر عدالت از دیدگاه رهبران انقلاب اجرای برنامه‌های توسعه دولت¬های بعد از انقلاب مورد بررسی و واکاوی قرار گرفته، تا میزان انحراف آن‌ها از مفهوم عدالت از دیدگاه رهبران انقلاب روشن شود و

* – دانشجوی دکتری علوم سیاسی دانشگاه اصفهان jafar.rezaei۱۳۴۷@yahoo.com
** – دانشیار گروه علوم سیاسی دانشگاه اصفهان(نویسنده مسئول) a.alihosseini@ase.ui.ac.ir
*** – دانشیار گروه علوم سیاسی دانشگاه اصفهان javademam@ase.ui.ac.ir
**** – دانشیار گروه علوم سیاسی دانشگاه اصفهان a.aghahosseini@ase.ui.ac.ir
تاریخ ارسال : ۱۳۹۷/۵/۲۳ تاریخ پذیرش : ۱۳۹۷/۱۰/۲۲

www.SID.ir

Archive of SID

آسیب¬های ایجاد شده شناسایی و راه کارهای اصلاح برای تقویت و تداوم حیات و استمرار نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران هموار گردد.

واژگان کلیدی

عدالت اجتماعی، برنامه‌های توسعه، آسیب شناسی و رهبران انقلاب

مقدمه

از آنجا که عدالت به عنوان محور فلسفه سیاسی اسلام ناظر به تعامل درونی همه اجزا و ساختارهای برای نیل به هدف نهایی انسان و جامعه می‌باشد آن‌ها در صورت عادلانه بودن نظام سیاسی است که م شروعیت آن نظام منبعث از آن و ساختارهای قدرت سیا سی آن توجیه پذیر می‌گردد. از این رو با پیروزی انقلاب و تشـکیل جمهوری اسـلامی به رهبری امام خمینی و بر اسـاس ایدئولوژی اسـلام شیعی نگاه به مو ضوع عدالت به مثابه یکی از د ستاوردهای مهم انقلاب ا سلامی در راس برنامه‌های مهم قرار می‌گیرد. اما این مسئله در طی چهار دهه گذشته با چالش‌های نظری و عملی فراوانی روبرو شده است. از این رو باید برنامه‌های توسعه در دولت¬های بعد از انقلاب مورد بررسی قرار گرفته، با شناختن آسیب¬ها، آفت‌ها و موانع استمرار جمهوری اسلامی هموار گردد.

عدالت از کانونی‌ترین آموزه‌های قرآنی و ا سلامی ا ست که در اندی شه‌های سیا سی – اجتماعی رهبران انقلاب ا سلامی همانند امام خمینی و مطهری بازتاب بسیاری یافته است. اما به رغم آن که شعار عدالت اجتماعی و اجرای آن از سیا ست‌های ا صلی و محوری دولت¬های بعد از انقلاب بوده، رهبران انقلاب (امام خمینی، مطهری و آیت الله خامنه‌ای) بر آن تاکید داشته مسئله عدالت در کارنامه جمهوری ا سلامی ایران تا به امروز و ضعیت مطلوبی ندا شته ا ست. براین ا ساس، این پر سش مطرح می¬شـود که چرا با همه سـفارش‌هایی که در آموزه‌های دینی، تاکید رهبران انقلاب در باب عدالت اجتماعی و مباحث مربوط به آن وجود دارد عدالت در جامعه ما حضوری شایسته ندارد؟

آسیب شناسی عدالت یکی از ضرورت‌های گریزناپذیر پژوهشی در حوزه مطالعات انقلاب اسلامی به‌شمار می‌آید و شناسایی مصادیق بی‌عدالتی و تلاش برای رفع آن‌ها امری ضروری است. مسائلی از قبیل: عدم دسترسی مناسب مردم به امکانات، منابع و فرصت‌ها، توزیع ناعادلانه ثروت و درآمد، وجود ویژه خواری و انحصارات اطلاعاتی و اقتصادی، ظهور پدیده شهروند درجه یک و درجه دو، نابرابری جوامع شهری و رو ستایی در برخورداری از رفاه و معی شت، تبدیل حا شیه ن شینی و حا شیه گزینی و حاشیه روی به هنجار اجتماعی، عدم بهره‌وری مناسب از عوامل تولید، نابرابری‌ها در زمینه اقتصادی،

www.SID.ir

Archive of SID

فرهنگی، سیاسی و ... به عنوان مصادیق بی‌عدالتی هستند که تلاش در راستای رفع آن‌ها ضروری است. علاوه آنکه مسایلی نظیر اشرافی‌گری، تجمل گرایی، فزون خواهی، جاه طلبی آفات اجرای عدالت خواهند بود.

در این مقاله با استفاده از روش تحلیل مقایسه‌ای تلاش می¬شود با تاکید بر عدالت از دیدگاه رهبران انقلاب، برنامه‌های توسعه در دولت¬های بعد از انقلاب مورد بررسی و واکاوی قرار گرفته، تا میزان انحراف برنامه‌ها و عملکرد دولت¬ها از مفهوم عدالت در اندیشه رهبران انقلاب (امام خمینی، مطهری و رهبری) روشن شود و آسیب¬های ایجاد شده شناسایی و راه کارهای اصلاح برای تقویت و تداوم حیات و استمرار نظام جمهوری اسلامی هموار گردد.

چارچوب نظری

۱. عدالت در اندیشه سیاسی آیت الله شهید مطهری

مرتضی مطهری از جمله اندیشمندانی است که در باب عدالت بحث کرده و تقریباً همه جنبه‌های آن را مورد بررسی قرار داده است. عدل از دیدگاه مطهری، مفهومی چند بعدی است. عدل نوعی جهان بینی است که در ارتباط با عقل و در ردیف کتاب و سنت است و در ارتباط با امامت و رهبری یک شایستگی است و نسبت به اخلاق آرمانی اخلاقی است. در مقابل اجتماع یک مسئولیت است و در مقایسه با نبوت و تشریع قانون مقیاس و معیار قانون شناسی است. (کیخا، ۱۳۸۹: ۱۱) در کتاب عدل الهی معنی حقیقی عدالت اجتماعی بشری را «رعایت استحقاق‌ها و اعطاکردن به هر ذی حقی آنچه استحقاق آن را دارد» می‌داند. (مطهری، ۱۳۸۶: ۱۶) در واقع در نظر مطهری مفهوم عدالت رعایت حقوق افراد و اعطاء حق به صاحب حق است. حق طبیعی و قرآن به عنوان منابع کشف عدالت بوده، و بحث عدالت ابعاد وسیعی را در بر می‌گیرد.

استاد مطهری در کتاب‌های «عدل الهی»، «اسلام و مقتضیات زمان»، «نظام خانواده و زن در اسلام» و «ده گفتار» در مقام تبیین مفهوم عدالت سعی می‌کند با توجه به تنوع کاربرهای عدل در فضاهای مختلف آن را تفسیر نماید و لذا چهار معنا برای عدل بیان می‌کند:

۲. موزون بودن و تعادل:

یک اجتماع متعادل به کارهای فراوان اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، قضایی و تربیتی احتیاج دارد. این کارها باید میان افراد تقسیم شده و برای هر کدام به قدر لازم کارگزار گماشته شود و بودجه و نیرو

www.SID.ir

Archive of SID

صرف گردد. عالم هستی موزون و متعادل است. اگر چنین نبود برپا باقی نمی‌ماند و این نظم و تناسب و حساب معین در آن نبود، چنان که حدیث نبوی هم به این مطلب اشاره می‌نماید: «بالعدل قامت السموات و الارض». نقطه مقابل عدل در این معنا بی‌تناسبی است نه ظلم چون بحث عدل به معنای تناسب در برابر بی‌تناسبی در کل نظام عالم است در حالی که عدل در مقابل ظلم ملاحظه هر جز و حقوق فردی مطرح می¬شود. عدل به معنای تناسب و توازن در نظام عالم از شئون خداوند حکیم می‌باشد. بر طبق فرمایش قرآن کریم، آفرینش جهان هستی دارای صفت عدالت به معنای فوق‌الذکر است و به معنای، جهان موزونو متعادل است و در غیر این صورت، نباید در جهان، نظم و جریانات معینی وجود داشت. این معنا بر طبق نظر مفسران در آیه ۷ سوره «رحمن» ذکر شده است: «وَالسَّمَاءَ رَفَعَهَا وَوَضَعَ الْمِيزَانَ»

۳. تساوی و نفی هرگونه تبعیض

مقصود از عدالت، و رعایت تساوی در زمینه استحقاق‌هایی می‌باشد که افراد از آن برخوردارند که این رفع تبعیض با ملاحظه تفاوت‌ها بین افراد است (مطهری، ۱۳۷۶: ۵۴–۵۷) .

طبق این تعریف بین عدل و مساوات هیچ تفاوتی نیست. به نظر حکمای اسلامی این تعریف تنها در محدوده مضیق استحقاق‌های متساوی (یعنی حقوق اولیه منبعث از علت غایی، که در جای خود بدان اشاره خواهد شد)، می‌توان متضمن عدالت باشد و در غیر این صورت، یعنی نبود استحقاق‌های مساوی که چندان هم غیر متحمل نیست، برقراری مساوات عین ظلم و ناقص عدل می¬شود. چنانچه به تعبیر استاد مطهری «اگر اعطای بالسویه عدل باشد، منع السویه هم عدل خواهد بود» (پیغامی، ۱۳۸۷: ۱۷۸) .اما چنانچه منظور این باشد که عدالت به معنای تساوی در زمینه استحقاق‌های مساوی است، صحیح خواهد بود.

بنابراین، این گونه مساوات، از لوازم عدالت است و این معنای عدالت به معنای قبلی عدالت یعنی رعایت استحقاق ها باز می گردد. در زمینه اقتصادی، عدالت در این اصطلاح به معنای «ایجاد شرایط برای همه به طور یکسان و رفع موانع برای همه به طور یکسان است» (مطهری، ۱۴۳۵ ق: ۱۵۶)

رعایت حقوق افراد و عطاء کردن حق به ذی حق: در این معنا عدل در برابر ظلم (پایمال کردن حق دیگری) قرار می‌گیرد. آنچه همواره باید در قوانین بشری به معنای عدالت اجتماعی رعایت شده و همگان آن را محترم بشمارند همین معناست. ظلم به معنای تجاوز به حریم و حق دیگری و نسبت به خداوند محال می‌باشد چون او مالک علی الاطاق بوده و هیچ چیز در مقایسه

www.SID.ir

Archive of SID

با او اولویت ندارد. مطهری این تعریف از عدالت را متکی بر دو امر می‌داند، یکی حقوق و اولویت‌ها که نمی از افراد بشـر نسـبت به یکدیگر و در مقایسـه با یکدیگر نوعی حقوق و اولویت پیدا می‌کند و دیگر این که خصوصیت ذاتی بشر به گونه‌ای است که در دستیابی به مقاصد و سعادت خود با استفاده از اندیـ شه‌های اعتباری به عنوان آلت فعل بهره می‌برد، لذا برای ر سیدن افراد جامعه به سعادت باید یکسری حقوق و اولویت رعایت شود.

٤. رعایت قابلیت‌ها در افاضه وجود و عدم امتناع از افاضه به آن چه که امکان وجود دارد:

عادل بودن پروردگار نزد حکمای الهی به این امر اســت که در نظام تکوین به هر موجودی به اندازه قابلیت آن کمالات وجودی افاضـــه می‌کند، او از موجودی که اســتحقاق و قابلیت دارد، منع فیض نمی‌کند. این معنای عدل صرفاً در حوزه کلامی کاربرد دارد. (مطهری، ۱۳۷۶: ۵۴-۵۷)

در واقع تعریف مورد قبول عدل از دیدگاه مرتضی مطهری تعریف سوم است. الگویی که می‌تواند در حوزه عدالت فردی و هم در بعد اجتماعی آن به کار گرفته شود، همان تعریف سوم (رعایت حقوق) است که بنا بر مساوات در قانون افراد بشر باید به یک چشم نگاه شوند، قانون بین افراد تبعیض قایل نشود بلکه استحقاق‌ها را رعایت کند. افرادی که از لحاظ خلقت در شرایط مساوی هستند، قانون باید با آن‌ها به مساوات رفتار کند. پس افرادی که خود شان در شرایط مساوی نیستند قانون هم نباید با آن‌ها مساوی رفتار کند بلکه مطابق شرایط خودشان با آن‌ها رفتار نماید.

در پایان می‌توان گفت که عدالت از نظر مرتضی مطهری یک آرمان اخلاقی و اجتماعی است که بشر ذاتاً به آن گرایش دارد و در همه‌ی زمینه‌های زندگی اعم از سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و عدل الهی که شامل حال بندگان می¬ شود ساری و جاری ا ست و آن را محدود به زمان و مکان خا صی نمی‌داند. نگاه مرتضـی مطهری به عدالت بر گرفته از آموزه‌های اسـلامی اسـت. در واقع اسـتدلال مطهری در زمینه عدالت علاوه بر پایه‌های استدلالی و عقلانی بر بنیاد دینی استوار است (امام جمعه زاده و میلانی، ۱۳۹۱: ۴۴). در واقع می‌توان گفت مطهری بر برابری همه‌ی افراد جامعه بدون توجه به رنگ پو ست، نژاد و مذهب ا شاره دارد و بر اهمیت جامعه و نهاد های اجتماعی و زمینه سازی در اجتماع برای تحقق عدالت تاکید می‌ورزد. به بیان دیگر طرح مطهری برای تحقق عدالت اجتماعی برمبنای آزادی و برابری است.

۲.عدالت در اندیشه سیاسی امام خمینیϖ

امام خمینیϖ با تکیه بر همان معنای معروف عدالت یعنی «حد وســط بین افراط و تفریط» تعریف

www.SID.ir

Archive of SID

فراگیری از آن ارائه می‌فرمایند که دارای نوعی جامعیت و مطلقیت است:

عدالت حد وسط بین افراط و تفریط و آن از امهات فضایل اخلاصیه است بلکه عدالت مطلقه تمام فضایل باطنیه، ظاهریه، روحیه، قلبیه و جسمیه است، زیرا عدل مطلق، مستقیم به همه معنی است (موسوی خمینی، ۱۳۷۶: ۱۴۵)

امام راحلϖ عدالت را از دیدگاه عرفانی نیز نگاه می‌کنند و اطلاقی دیگر، علاوه بر آنچه گذشت، برای آن قائل هستند: عدالت را اطلاق دیگری است و آن تبدیل جمیع قوای ظاهریه و روحیه و نفسیه است، و بر همین اعتبار ارسطو گفته عدالت همه فضیلت است نه جزوی از آن، طریق سیر انسان کامل از نقطه نقص عبودیت تا کمال عز ربوبیت، عدالت که خط مستقیم و سیر معتدل است (موسوی خمینی، ۱۳۷۶: ۳۹۱)

امام خمینی با استناد به سیره انبیا ملت اسلام را پیرو مکتبی می‌دانست که برنامه آن در دو کلمه خلاصه می¬شود: نه ستم کنید، نه مورد ستم قرار گیرید. «لاتظلمون و لاتظلمون: مهم‌ترین ابعاد این مولفه از نظر امام خمینی عبارت است از: مخالفت با ابرقدرت‌ها، مخالفت با ظالمان، عدم پیروی از نظام سلطه، نفی ظلم در جمهوری اسلامی، عدم ظلم پذیری، عدم سازش با ظالم، حمایت از مستضعفان، .... کمک به نهضت‌های آزادی بخش جهان (مرشدی راد، مرتضوی و دیگران، ۱۳۹۰: ۱۱۳-۱۱۴) یکی از نگرانی های امام خمینی در زمینه توسعه اقتصادی، «عدالت اجتماعی» است. ایشان توسعه اقتصادی را همراه عدالت اجتماعی و در صورتی که نتایج مثبت توسعه اقتصادی اقشار وسیعی از جامعه را تحت تاثیر قرار دهد و معیشت آنان را بهبود ببخشد، می‌پذیرد. از نظر امام راحل، توسعه اقتصادی که طی آن اکثریت بزرگی محروم و فقیر باشند و اقلیتی ناچیز برخوردار، مورد قبول نیست. بنابراین، ایشان عدالت اجتماعی را لازمه و شرط یک اقتصاد سالم می‌دانند. (مرشدی و دیگران، ۱۳۹۰: ۱۱۷)

امام خمینی بارها لزوم سیاست‌گذاری جهت رفع فقر و خارج ساختن افراد و اقشار محروم از محرومیت و برنامه‌ریزی جهت تامین نیازهای اساسی اقشار مستمند را بیان نموده و جهت گیری اقتصاد اسلامی را حفظ منافع محرومان معرفی می‌کنند. عدول از آن را عدول از عدالت اجتماعی اسلام می‌داند:

> ارائه طرح‌ها و تبیین جهت‌گیری اقتصاد اسلام در راستای حفظ منافع محرومان و گسترش مشارکت عمومی آنان و ... بزرگ-ترین هدیه و بشارت آزادی انسان از اسارت فقر و تهیدستی به‌شمار می‌رود. (امام خمینی: ۳۴۰/۲۰)

www.SID.ir

Archive of SID

هم چنین ایشان در بیانی دیگر عدول از سیاست حمایت از محرومان و رفع نکردن محرومیت از آنان و کوتاهی در تامین نیازهای اساسی شان را از اصل عدالت مورد نظر اسلام دور دانسته و از آن نهی نموده و می‌فرمایند:

> آنچه که روحانیون هرگز نباید از آن عدول کنند و نباید با تبلیغات دیگران از میدان به در روند، حمایت از محرومان و پابرهنگان است. چرا که هر کسی از آن عدول کند از عدالت اجتماعی اسلام عدول کرده است. (امام خمینی، ۹۹/۲۱)

در رویکرد اسلامی، کانون مرکزی سیاست اجتماعی مفهوم عدالت اجتماعی است. این مفهوم، هدف و غایت تشکیل حکومت بوده و هرگونه برنامه‌ریزی کلان و خرد در عرصه سیاست عمومی باید در راستای تحقق بخشیدن به آن انجام پذیرد. در مجموع، شاخص‌ها زیادی در خصوص موضوع عدالت اجتماعی مانند «شرایط مساوی برای برخورداری از فرصت‌ها و منابع، عدالت توزیعی و عدالت به مثابه استحقاق‌ها و شایستگی‌ها، رعایت حق و حقوق هر صاحب حقی و قرار گرفتن هر چیزی در جای خود و حمایت همه جانبه از محرومان جامعه عدم ظلم و سلطه‌گری و ظلم پذیری و سلطه پذیری، می‌تواند به شناخت دیدگاه جامع در زمینه عدالت اجتماعی ازمنظر شهید مطهری و امام خمینی کمک کند.

وقتی از مفهوم عدالت به مثابه مهم ترین رکن رسالت و وظیفه ی الهی و برجسته ترین هدف انقلاب اسلامی سخن گفته می¬شود، عدالتی مراد است که همه حوزه‌های زندگی فردی و اجتماعی، اعم از اقتصاد، سیاست، فرهنگ و .... را در بر می‌گیرد. بر همین اساس، می‌خواهیم بدانیم دولت¬هایی که در چهار دهه اخیر در جمهوری اسلامی ایران روی کار آمدند، در باره عدالت و گفتمان‌سازی آن چه نقشی ایفا کردند و میزان دوری و نزدیکی گفتمان هر یک از آن‌ها به گفتمان اصیل انقلاب اسلامی، یعنی عدالت اجتماعی، چه اندازه بوده است؟

۳.مفهوم عدالت اجتماعی در دولت موسوی

باید بررسی کنیم که عدالت از دیدگاه دولت موسوی به چه معنا بوده است؟ آیا این دولت عدالت ناب اسلامی را سرلوحه کارش قرار داده بود یا تحت تاثیر فرهنگ‌های دیگر قرار داشت؟ عدالت از دیدگاه موسوی به معنای ایجاد کردن و ضعیتی است که طبقات پایین جامعه هم بتوانند از منابع و امکانات استفاده کنند. به عقیده وی، طبقات مستضعف در رقابتی نابرابر با طبقه مرفه قرار گرفته و در نتیجه نتوانسته‌اند به اندازه لازم از منابع و امکانات جامعه بهره‌برداری کنند، در حالی که ثروتمندان جامعه

www.SID.ir

Archive of SID

همه منابع را در قبضه خود قرار داده‌اند.

مهم‌ترین مسئله در این دوره، وجود شکاف‌های عمیق بین فقیر و غنی و بدیل مطلوب آن، آرمان عدالت اجتماعی بر مبنای آموزه اسلام است. بنابراین، مهم‌ترین برنامه و راه حل دولت برای حل مسئله عدالت اجتماعی، اقتصاد کنترلی و نظارتی بود که در آن بر «توزیع» تاکید می‌شد. بر این اساس، می‌توان گفت این کابینه بیشتر گرایشی اعتدالی و دیدگاهی عدالت خواهانه، مساوات طلبانه و مردم گرایانه داشت و به همین دلیل، بر مسئولیت گسترده دولت در این خصوص تاکید می‌کرد و معتقد بود که اهرم‌های مهم اقتصادی باید در دست دولت باشد (مصباحی مقدم، ۱۳۷۰: ۳۲). موسوی هر کدام از شاخص‌های مزبور را به شرح ذیل ارائه کرده است:

الف) حمایت از طبقات فقیر و محروم جامعه

دولت در دوره موسوی یکی از شاخص‌های اساسی اجرای عدالت اجتماعی را حمایت از طبقات فقیر و محروم جامعه می‌دانست، به گونه‌ای که حمایت از این قشر همواره یکی از وظایف اصلی دولت بوده است:

بدون عدالت اجتماعی هر ساله صدها و هزارها گنج نادر این جامعه از فرط تنگدستی ترک تحصیل می‌کنند. استعدادهایی که در صورت رشد با قدرت مدیریت خود می‌توانند کشوری را متحول نمایند به خاطر نان شب مقروض می شوند. آن‌ها که باید آینده ساز فرهنگ ما باشند چه بسیار که حتی نوشتن و خواندن نیز نمی‌آموزند. بدون عدالت اجتماعی این سرمایه‌های بشری به مثابه انبان بذری هستند که گوشه‌ای افتاده باشد. (موسوی، ۱۳۸۳: ۲۳)

محرومیت زدایی را از مصادیق بارز برنامه¬های عملی عدالت اسلامی می‌داند و تاکید می‌کند که امنیت انقلاب در گرو فقرزدایی و خدمت به محرومان است. او هم چنین در جزوه‌ای به نام «موضع ما» بیان می کند که در نظام اقتصادی اسلام، زمینه های استثمار و بهره کشی صاحبان سرمایه و صاحبان قدرت از صاحبان نیروی کار باید از بین برود و به کلی ریشه‌کن شود .... و شرط موفقیت در ابعاد اقتصادی انقلاب، تاکید روی برنامه‌ریزی و استفاده هر چه منظم‌تر و کامل‌تر از امکانات طبیعی و انسانی است که در اختیار داریم. (خواجه سروی، ۱۳۸: ۱۸– ۲۰)

واکاوی سخنرانی‌های روسای دولت سوم و چهارم حاکی از آن است که در آن‌ها از واژگان «دولت» و «مردم» بسیار استفاده شده است و تلاش گردیده که دولت و مردم را خیلی نزدیک به هم نشان داده و تمامی فعالیت‌های دولت در راستای رفع مشکلات مردم قلمداد گردد، چون این امر را از وظایف اصلی دولت می‌دانستند. مفاهیم عدالت اجتماعی به کار رفته در این متون یعنی «حمایت از محرومین و مستضعفین و کوخ نشینان» در راستای تامین منافع مستضعفان و گسترش مشارکت

www.SID.ir

Archive of SID

عمومی در راستای برابری فرصت‌ها و دسترسی به خدمات درمانی، تامین خوراک و پوشاک و نیز رفع محرومیت (تعادل بخشی) در زمره ثمرات اصلی رویکردهای انقلاب قرار دارند، که بر مبنای آن، برخورداری آحاد جامعه از امکانات و خدمات بهداشتی و درمانی و نیز خوراک و پوشاک برای تامین سلامت هر چه بیشتر مورد تاکید قرار گرفته است. (صفری، ۱۳۹۵: ۹۶)

پیش فرض‌ها مشخص می‌کند دولت بر این باور است که از راه توزیع مناسب امکانات و خدمات بهداشتی و درمانی اقشار پردرآمد و کم درآمد (مستضعفان) سلامت همگانی تحقق می‌یابد، که البته در این راه، دولت موظف به ارائه خدمات بیشتر درمانی و بهداشتی به نیازمندان است، تا عدالت اجتماعی در حوزه بهداشت، درمان و سلامت تامین گردد. در این راستا، در بازه زمانی سال‌های ۶۰-۶۸ قدم‌های موثری در توزیع مناسب امکانات بهداشتی، درمانی، آب آشامیدنی و تسهیلات زندگی در کشور برداشته شده که آن‌ها را می‌توان شاخص‌های مناسبی برای ارزیابی عدالت اجتماعی توصیف کرد با این وجود گسترش عدالت اجتماعی به عنوان شاخص مهمی در الگوی نوسازی انقلاب اسلامی، در دوره مذکور با نوساناتی همراه بود. (فوزی، ۱۳۸۴)

نابرابری دستیابی به فرصت‌های تحصیلی در بین دختران بیش از پسران است برخوردارترین گروه‌ها از لحاظ دستیابی به فرصت‌های آموزشی، همواره در استان‌های توسعه یافته و محروم‌ترین آن‌ها در استان‌های کمتر توسعه یافته بوده‌اند. در بین مناطق، روستاهای استان‌های کمتر توسعه یافته بیش از سایر مناطق از محرومیت‌های آموزشی رنج می‌برند. در این بین همه استان‌های مورد بررسی به جز در برخی موارد، کردستان و سیستان و بلوچستان همواره جز نابرخوردارترین استان‌ها به شمار می‌آیند. ... هم چنین به نظر می‌رسد نابرابری‌های درون استانی (درون منطقه‌ای) میزان بیشتری نسبت به نابرابری‌های بین منطقه‌ای داشته باشد لذا بررسی نحوه توزیع فرصت‌های آموزشی در درون هر استان (نواحی شمال و جنوب شهری) می‌تواند تصریری گویا و حتی شفاف‌تری از وضعیت نابرابری‌های میان محروم ترین و برخوردارترین بخش های جامعه فراهم نماید. در حوزه آموزش و پرورش از جمله شاخص‌هایی که می‌توانند نابرابری‌های آموزشی را به شکل واضح‌تری آشکار سازند یکی نوع مدارس (دولتی و یا غیر دولتی بودن آن‌ها) و دیگری میزان ورود به مراکز آموزش عالی و دانشگاه‌ها در مناطق و گروه‌های مختلف جامعه می‌باشد. از این رو سنجش و مطالعه وضعیت دسترسی به فرصت‌های آموزشی از زاویه این دو شاخص می‌تواند به مثابه اهرمی برای شناخت میزان عدالت در حوزه آموزش و پرورش به کار گرفته شود (کچوئیان و آقاپور، ۱۳۸۵: ۱۵۲)

ب) مخالفت با سرمایه‌داری و حاکمیت خصوصی‌سازی

از دیدگاه موسوی، یکی از راه‌های توزیع عادلانه و مساوی ثروت و امکانات در جامعه مخالفت با

www.SID.ir

Archive of SID

سرمایه‌داری و حاکمیت سرمایه و خصوصی‌سازی است. از دید او سرمایه‌داری باعث تضاد طبقاتی در جامعه و ایجاد دو طبقه فقیر و غنی شده است. به عقیده وی، نظام شبه سرمایه‌داری دوران پهلوی باعث شده که طبقات پایین از امکانات بی‌بهره باشند و در مقابل سرمایه‌داران همه امکانات جامعه را به خود اختصاص دهند. در باره ویژگی‌های دولت موسوی، می‌توان چنین گفت:

> آن‌ها مخالف واگذاری مدیریت مراکز مهم اقتصادی، شبکه‌های مهم حمل و نقل بازرگانی به خصوص بازرگانی خارجی به بخش خصوصی بودند، هم چنین استدلال می‌کردند که حاکمیت‌های بزرگ در مورد اراضی، صنایع، سرمایه‌های بازرگانی با سایر فعالیت‌های اقتصادی زمینه مساعد استثمار اکثریت را فراهم ساخته، موجب تکاثر ثروت در یک طبقه خاص و افزایش فاصله طبقاتی شده و قطب‌های قدرت اقتصادی پدید آورد که می‌توانند اقتصاد جامعه را جهت دهند و هر جا که دولت با آن‌ها همراه نشود می‌توانند مشکل تراشی کرده، دولت را با بحران روبه رو سازند. پس باید مهم‌ترین اهرم‌های اقتصادی در دست دولت باشد. (فوزی، ۱۳۸۴: ۱۰۴-۱۰۵)

۴. مفهوم عدالت اجتماعی در دولت سازندگی

از دیدگاه هاشمی برای رسیدن به عدالت اجتماعی باید رشد اقتصادی افزایش یابد، افزایش رشد اقتصادی به افزایش درآمد ملی می‌انجامد و این امر هم باعث تزریق درآمد ملی به جامعه می‌گردد که با استفاده از سیاست‌های توزیع مجدد درآمد، از جمله سیاست‌های مالیاتی، به منطقی کردن رشد بین اقشار مختلف اجتماعی و از بین رفتن فقر در جامعه و ایجاد عدالت اجتماعی منجر می¬ شود. در این دیدگاه به جای مبارزه با فقر، به افزایش ثروت در ادبیات سیاسی توجه شد و رفاه اقتصادی و توسعه نشانه‌ای برای نزدیکی به مفهوم واقعی عدالت دانسته شد. و عدالت اجتماعی به مرحله پس از تولید موکول شد و برنامه¬های تعدیل اقتصادی و افزایش تولید در اولویت قرار گرفت. سیاست تعدیل رشد محوراست و آن را اصل می‌داند و به نحوه توزیع درآمد کاری ندارد و از اساس با اجرای عدالت بیگانه و مخالف است به همین جهت شاهد افزایش بی‌عدالتی‌ها در کشور هستیم.

برداشت هاشمی رفسنجانی از عدالت اجتماعی را می‌توان همان مقوله رشد اقتصادی دانست که بر اقتصاد آزاد متکی است. در این دیدگاه اقتصاد آزاد باعث افزایش رشد اقتصادی می¬ شود و بر اساس آن، کیفیت زندگی عموم شهروندان بالا می‌رود: فعال کردن بخش خصوصی، نفی گفتمان عدالت خواهی دهه اول انقلاب، و تکیه اساسی بر رشد اقتصادی. به همین منظور برنامه تعدیل مورد

www.SID.ir

Archive of SID

بررسی قرار می‌دهیم.

۵. برنامه تعدیل اقتصادی

برنامه تعدیل از مجموعه‌ای از سیاست‌های آزادسازی، تثبیت کالاها، افزایش بهره‌وری در بخش تولیدی، سیاست‌های تجاری، انقباض دستمزدها و محدود کردن سیاست‌های دولتی تشکیل می¬شود که بر اساس آن بازارهای مالی ف کالا، خدمات و بخش‌های واردات و صادرات باید به بازار واگذار شود. هاشمی رفسنجانی هدف خود را از انتخاب سیاست‌های تعدیل این گونه بیان می‌کند:

> من فکر می‌کردم که سیاست تمرکز دولتی کارآیی ندارد و به سراغ سیاست‌های تعدیل رفتیم، قبل از اینکه به دولت بیایم، با آن‌هایی که در این کار موثر بودند بحث کرده بودیم. با آقای روغنی زنجانی که رییس سازمان برنامه و بودجه بود و در آن اواخر با آن روش قبلی موافق نبود، بحث کردم. من می‌دانستم، اختلاف دا شت و می‌خوا ست ا ستعفا بدهد. من به ایشان گفتم بماند. آقای نوربخش هم جز کسانی بود که با ایشان م شورت کردیم. موا ضع را قبل از اینکه اینها بیایند مشخص کردیم که باید به طرف تعدیل برویم (جولانی، ۱۳۹۶: ۸۶).

الف). اهمیت دادن به بخش خصوصی

هاشمی می‌گوید:

> در کشورهایی که اقتصاد آزاد دارند معمولاً بخش خصو صی کار می‌کند. دولت یک مقدار کالا توسعه دارد، در بقیه موارد فضا درست می‌کند و مردم به فکر سازندگی می‌افتند، سرمایه‌گذاری می‌کنند و کارهای مولد انجام می‌دهند. کار مولد همیشه درآمد ا ست، از مقدمات تا م صرف شغل در ست می‌کند. اگر کار تجارت و واسطه‌گری رونقی پیدا کند در آن فضا معنا می‌گیرد که با رونق تولید، آن کارها رونق پیدا می‌کند. (بهروز لک، ۱۳۹۱: ۱۱۲)

ها شمی رفسنجانی در ارائه‌ی برنامه¬ها و لوایح بودجه ی سالانه بر خصو صی سازی و پیشبرد اهداف دولت در برنامه‌ی اول توسعه بر مبنای کاهش نقش دولت در اقتصاد، پیشبرد خصوصی‌سازی در حوزه‌های آموزشی، بهداشتی و خصوصی‌سازی موسسات دولتی تاکید داشت. در قانون برنامه دوم توسعه بر تداوم خصوصی‌سازی و کاهش تصدی‌گری دولت همانند قانون برنامه‌ی اول توسعه تاکید گردید. (جباری، ۱۳۹۶: ۱۳۹ – ۱۴۰)

www.SID.ir

Archive of SID

بنابراین از دیدگاه او، حاکم شدن اقتصاددولتی جز عقب نگه داشتن کشور کار دیگری نمی‌تواند بکند. برای اینکه کشور راه رشد را طی کند باید اجازه بدهیم افراد خودشان دست به کار شوند و چرخ اقتصادی کشور را به حرکت در بیاورند. به همین دلیل هاشمی رفسنجانی، بدون نظارت و برنامه خاصی با حرص و ولع بسیار شدیدی همه امور حتی بهداشت و آموزش را به بخش خصوصی واگذار می‌کردند. او در سال ۱۳۷۴ در پاسخ امیدی مدیر عامل آب همدان، که از دولت درخواست کمک کرده بود. گفته بود چه کمکی ما این قدر دست شما را باز گذاشتیم که هر چه می‌خواهید از مردم بگیرد دیگر نیازی به ما ندارید.

ب). تکیه بر رشد و رفاه اقتصادی و توسعه به مثابه عدالت

از دیدگاه هاشمی رفسنجانی، عدالت اجتماعی تنها با رشد اقتصادی ایجاد می¬شود نه با دادن یارانه به مردم. بنابراین دولت وظیفه ندارد عدالت اجتماعی را با دادن کمک به افراد جامعه ایجاد کند، بلکه عدالت اجتماعی در پناه رشد اقتصادی که در نتیجه آن، درآمد ملی جامعه بالا می‌رود و با توزیع عادلانه درآمد ملی و تزریق آن به جامعه ایجاد خواهد شد. بر این اساس هاشمی در واقع هیچ برنامه‌ای برای اجرای عدالت اجتماعی انجام نداد. (بهروز لک، ۱۳۹۱: ۱۱۳)

هاشمی رفسنجانی معتقد بود که اول باید جامعه ایرانی توسعه و رشد پیدا کند بعد خود به خود عدالت در جامعه برقرار خواهد شد. ایشان طرفدار عدالت استحقاقی بود و اصلا به عدالت توزیعی توجه نمی‌کرد (احتشامی، ۱۳۷۸: ۱۲۹و۱۳۰). در این گفتمان، عدالت اجتماعی به مرحله پس از تولید موکول شد و برنامه¬های تعدیل اقتصادی و افزایش تولید در اولویت قرار گرفت. اتخاذ سیاست‌های سرمایه‌دارانه خصوصی سازی و تعدیل اقتصادی مهم‌ترین برنامه و راه حل دولت برای دستیابی به جامعه‌ای ثروتمند و آباد در نظر گرفته شد. سیاست‌های اقتصادی دولت، در این مدت سبب ایجاد تورم در جامعه و فشار به اقشار متوسط و پایین جامعه گردید .همین فشارها و آسیب¬ها سبب شد که افکار عمومی دید چندان خوبی نسبت به آقای هاشمی و فعالیت‌های دولت ایشان نداشته باشند و خروج از آن را خواست خود قرار دهد. (اشرافی، ۱۳۹۰: ۳۴۱ – ۳۴۳)

مهم‌ترین خط‌مشی‌های برنامه اول در این زمینه عبارتند از: کاهش سطح پوشش خدمات دولتی و آموزش و انتقال آن به بخش غیر دولتی (خصوصی)، کاهش هزینه‌های دولت، تغییر سیستم سهمیه بندی کالاهای اساسی، تغییر سیاست نرخ گذاری کالاها و تعادلی شدن قیمت آن‌ها، خصوصی–سازی موسسات دولتی، واگذاری تجارت خارجی به اشخاص حقیقی و حقوقی. (پژویان، طالبلو و دیگران، ۱۳۸۷: ۱۸۳)

www.SID.ir

Archive of SID

طبق گزارش مستندات برنامه دوم، برنامه اول در ایجاد بسترهای قانونی مناسب با سیاست‌های راهبردی اعلام شده موفق نبود، بطوری که استراتژی خصوصی‌سازی شرکت‌های دولتی و آزادسازی تجارت خارجی با شکست مواجه شد. در عمل تنها در مالکیت شرکت‌های دولتی تغییراتی ایجاد شد و مالکیت آن‌ها از دولت به سایر نهادهای غیر خصوصی منتقل شد. (پژویان، طالبلو و دیگران، ۱۳۸۷: ۱۹۷ – ۱۹۸)

بر این اساس، گفتمان جدیدی که «رفاه و توسعه اقتصادی» را هدف اصلی اقتصاد دانسته و به شدت از توسعه به ویژه توسعه اقتصادی طرفداری کرده و آن را پیش شرط سایر امور نوسازی قلمداد می‌کرد، با باور به اینکه در سایه توسعه اقتصادی امکان استقلال و عدالت وجود دارد، رشد و توسعه اقتصادی را هدف اصلی اقتصاد دانسته و عقیده داشتند بدون رشد اقتصادی، مالی برای تقسیم کردن وجود ندارد. (مرتجی، ۱۳۷۸)

اگر چه رشد تولید ناخالص ملی و افزایش درآمد سرانه یکی از شاخص‌های توسعه است، اما از آن مهمتر توزیع عادلانه درآمد، ثروت، فرصت‌ها و امکانات از اصول بنیادین و نشانه توسعه یافتگی است. عمده‌ترین وظیفه و کارکرد دولت در هر جامعه، نقش توزیعی آن می‌باشـــد. یعنی دولت¬ها تلاش می‌کنند تعادلی نسبی در توزیع عادلانه درآمدها برقرار کنند تا جامعه را از شکاف طبقات غنی – فقیر نجات دهند. علیرغم اینکه دولت در قانون اساسی جمهوری اسلامی و در اهداف معین برنامه اول و دوم وظیفه تامین عدالت اجتماعی – اقتصـــادی را بر عهده داشـــت، اما خود مهم‌ترین علت در توزیع ناعادلانه ثروت و درآمد بود. (مصـــلی نژاد، ۱۳۸۴: ۱۶۳–۱۶۴) در اثر توزیع کاملاً غیرعادلانه درآمدها در کشور، طبقات پردرآمد جامعه سهم بیشتری را می‌برند. در حالیکه در فاصله ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۲، دهک یکم به قیمت جاری ۸۰۷ هزار ریال افزایش درآمد داشـــته اســـت، دهک دهم ۲۵/۱۲ میلیون ریال به عبارتی ۱/۱۵ برابر دهک یکم افزایش درآمد داشته است. (مصلی نژاد، ۱۳۸۴: ۱۷۳)

نابرابری در توزیع درآمدها، ســـرچشـــمه بی‌عدالتی‌هایی مانند اختلاف طبقاتی بر اســـاس ثروت‌ها، درآمدها، مصـــرف و نهایتاً رفاه اقتصـــادی میان افراد جامعه اســـت. دســـتیابی به توزیع عادلانه درآمد مستلزم استفاده صحیح از ابزارهای اقتصادی است که سیاست مالی از جمله مهم‌ترین ابزار است. (اکبری و دیگران، ۱۳۹۰: ۱)

امروزه توسعه در کشورهای غربی، گسسته از عدالت و خصوصاً ارزش‌هایی که ادیان آورده‌اند ادامه می‌یابد و به پیش می‌رود: «در آمریکا و شـــاید در اغلب کشـــورها، با ســـیســـتم‌های گوناگون و فلسفه‌های اجتماعی متفاوت در برابر رفاه روزافزون توده‌ها و توسعه آزادی فرد، به افزایش نوع جرم،

www.SID.ir

Archive of SID

خصوصاً جرایم مربوط به اموال و دارایی نیز دامن زده می¬شود.» این توسعه، علی القاعده نمی‌تواند الگوی گزینشی مناسبی برای کشورهای توسعه نیافته و به ویژه کشور اسلامی ایران باشد، چه آن که هرگز با روح دیانت و ملیت و با ساختار کلی جامعه ما تناسب ندارد و هیچ دستاورد مثبتی نخواهد داشت. در نگاه ما، توسعه در مقوله‌های اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی و ... باید همسو با کلیت تفکر و اندیشه دینی و سنت‌ها و معیارهای اجتماعی باشد. (نوایی، ۱۳۸۰: ۲۰۷)

علی محمد حاضری در پژوهشی تحت عنوان «مدارس غیر انتفاعی و تحرک اجتماعی» اظهار کرده که مدارس غیر انتفاعی هم از حیث امکانات مختلف آموزشی و هم از بعد کیفت آموزشی وضعیت بسیار مطلوب‌تری نسبت به مدارس دولتی داشته‌اند. لذا تاسیس مدارس غیر انتفاعی صرف نظر از تاثیری که بر سطح و کیفیت مدارس دولتی می‌گذارد، راهی برای تجلی رسمی نابرابری فرصت‌های آموزشی می‌باشد (حاضری، ۱۳۷۷: ۲۲۷ – ۲۳۰)

چنانچه به ماهیت و هدف سیاست‌های تعدیل توجه شود، «توسعه بدون عدالت» گسترش فقر و محرومیت که از نتایج تورم و توزیع ناعادلانه ثروت و فرصت‌ها و امکانات است. بر جامعه ایران تحمیل شد و فساد مطلق را گسترش داد. بر اساس آمار و ارقام رسمی و دولتی، نتایج سیاست‌های اقتصادی دولت سازندگی به نابرابری اجتماعی و توزیع ناعادلانه ثروت و درآمد به شدت دامن زد که خود موجب بسیاری از معضلات و آسیب¬های اجتماعی گردید. برنامه توسعه بدون عدالت ها شمی رفسنجانی فاصله فاحشی با آرمان‌ها و معیارهای مورد نظر رهبران انقلاب (مطهری و امام خمینی) و قانون اساسی و آموزه‌های اسلامی بوجود آورد.

۶. مفهوم عدالت در دولت اصلاحات

خاتمی معتقد بود برای اجرای عدالت اجتماعی هم کشور باید مسیر رشد اقتصادی خود را طی کند و هم اینکه در این مسیر طبقات پایین جامعه متضرر نشوند. بر این اساس، خاتمی سعی کرد یک نگاه تلفیقی بین مقوله رشد اقتصادی و عدالت اجتماعی برقرار کند که در آن عدالت اجتماعی اولویت داشته باشد، به عبارت دیگر، وی برای ایجاد آرمان اصلی انقلاب اسلامی، یعنی رفع فقر همانند دولت ها شمی، سامان‌دهی و توسعه اقتصادی کشور را تجویز می‌کرد. از دیدگاه خاتمی: «عدالت به این معنا ست که این امکان را بوجود آوریم که فرصت‌های مساوی برای همه صاحبان استعداد فراهم بشود و در توزیع امکانات نیز حال کل جامعه رعایت بشود» (خاتمی، ۱۳۷۹: ۱۵۵) در اندیشه خاتمی و حامیان فکری او، عدالت به مفهوم برابری ذاتی انسان‌ها و توزیع برابر ثروت‌ها در میان آن‌ها

www.SID.ir

Archive of SID

می‌باشد، اما این مفهوم در سایه آزادی معنا پیدا می‌کند، چرا که آنان معتقدند تا زمانی که آزادی وجود نداشته باشد، وجود عدالت در جامعه کاملاً بی‌معنا است. به باور آن‌ها در نظام سیاسی اسلامی بحث از عدالت به مثابه بحث از آزادی است.

چون معنا ندارد که در جامعه‌ای شهروندان از انواع آزادی‌های فردی و اجتماعی برخوردار نبا شند و در همان حال آن نظام سیاسی و جامعه بتواند به صفت عدالت متصف گردد.

خاتمی بر این باور اســـت که عدالت خود به خود به وجود نمی‌آید، بلکه زمینه های بروز آن که «آگاهی» است ایجاد کرد و جامعه هنگامی آگاه خواهد بود که آزادی بیان و عقیده و سایر آزادی‌های مدنی در آن وجود داشــته باشــد. در این صــورت اســت که مردم با آگاهی از پیرامون خود زمینه‌های شـــکل‌گیری واقعی عدالت را در جامعه پی‌ریزی و در مقابل هر نوع بی‌عدالتی مقاومت خواهند کرد. (بهروز لک، ۱۳۹۱: ۱۱۶)

خاتمی معتقد بود که دولت فقط دارای نقش نظارتی می‌باشد او می‌گوید:

> هر چه تصــدی خودمان را بیشــتر گشــترش دهیم، کمتر به وظیفه‌ی خود در تامین حاکمیت جمهوری ا سلامی عمل کرده‌ایم، اما هر چه ت صدی را بی شتر به مردم دهیم و دولت نقش نظارتی دا شته با شد، قدرت دولت در ایجاد امنیت در جامعه اعم از امنیت ق ضایی، نظامی و انتظامی و ارائه-ی خدماتی چون آموزش، درمان و بهداشت افزایش می‌یابد. (خاتمی، ۱۳۷۹: ۱۲۸)

خاتمی دخالت دولت در امور اقتصادی را باعث کاهش کارآیی اقتصادی می‌داند. از نظر او دخالت دولت باعث می¬شـود که نه تنها به وظایف اصـلی خود کم‌توجهی کند، بلکه مانع رقابت در حوزه‌ی اقتصادی و توسعه اقتصادی در جامعه می¬شود. وی وظیفه‌ی دولت را وظیفه-ی حاکمیتی می‌داند و بر این باور اســـت که دولت نباید در امور دیگر جامعه دخالت کند. وی بر این باور اســـت که تحقق عدالت اجتماعی بایستی با فراهم کردن شرایط تولید، سرمایه‌گذاری و اشتغال باشد نه اینکه سرمایه‌ها را بین مردم توزیع کنیم. بایســـتی عدالت اجتماعی را در کنار توســـعه درجامعه شـــکل داد. بایســـتی زمینه‌ای را فراهم کرد که ثروت به طور منا سب در جامعه توزیع شود و تولید و ا شتغال شکل گیرد و از تمرکز ثروت در دست عده‌ای محدود جلوگیری شود (جباری، ۱۳۹۶: ۱۷۸ و۱۷۹)

مهم‌ترین اسناد و شاخص‌های ما برای اثبات تعریف عدالت اجتماعی در دولت خاتمی برنامه سامان اقتصادی است که در اینجا آن را بررسی می‌کنیم.

www.SID.ir

Archive of SID

۷. برنامه سامان اقتصادی

عدالت اجتماعی که یکی از خواسته های اصلی انقلاب ایران بود، در هشت سال سازندگی به بوته فراموشی سپرده شد. بنابراین یکی از وظایف اصلی دولت جدید کمک به طبقات ضعیف و ایجاد عدالت اجتماعی بود که باید در اولویت برنامه¬ها قرار می‌گرفت. طبیعی است که دولت خاتمی می‌بایست تعریفی که در باره اجرای عدالت در دولت سازندگی مطرح شده بود تغییر می‌داد. برنامه سامان اقتصادی با قرائت خاتمی در ۱۳ مرداد ۱۳۷۸ در صحن مجلس آغاز شد. خاتمی در گزارش کار برنامه سامان اقتصادی به مجلس شورای اسلامی چند سیاست اصلی از جمله عدالت اجتماعی را متذکر شدند. ایشان در باره اصل عدالت اجتماعی را در مجلس این گونه توضیح دادند:

> سیاست دوم ما تقدم عدالت اجتماعی است. اینجا باید کمی توضیح بدهم. ما معتقدیم که هدف بزرگ انبیا استقرار عدل در جامعه انسانی بوده است. البته تعبیر قرآن تعبیر جالبی است که خداوند پیامبرانش را با کتاب و بینات فرستاد تا مردم خود به قسط برخیزند: «لیقوم الناس بالقسط» فاعل قسط مردم‌اند. پیامبران مبلغ‌اند، پیامبران راهنمایند، یعنی پیامبران به زور مردم را به قسط وادار نمی‌کنند. مردم باید رشد پیدا کنند اراده بکنند که زندگی عادلانه‌ای داشته باشند و عدالت را برقرار بکنند.

هدف انسانی و اسلامی استقرار قسط است و هدف انقلاب اسلامی استقرار عدالت اجتماعی بوده است و دولت جمهوری اسلامی هم اهتمام جدی به این مسئله دارد. شما در مواضع حضرت امامϖ، در مواضع رهبر عزیزمان ببینید همواره روی مسئله عدالت اجتماعی سخت تکیه شده است. ما باید این را به عنوان یک محور در نظر بگیریم البته اگر ما یک توسعه علمی، همه جانبه، متوازن و پایدار داشته باشیم. طبعاً در متن چنین توسعه‌ای عدالت اجتماعی نهفته است. یعنی ذاتاً توسعه با عدالت تضاد و تعارضی ندارد. ولی وقتی ما می‌گوییم عدالت اجتماعی تقدم دارد تا اگر در شرایط و موقعیت‌هایی نوعی تضاد و ناسازگاری میان رشد اقتصادی و عدالت اجتماعی پیدا شد، سیاست دولت این است که این تضاد را به نفع عدالت اجتماعی، حتی با کند شدن نسبی رشد اقتصادی تامین بکند. پس سیاست دوم ما تقدم عدالت اجتماعی است. (امیری فر، ۱۳۷۹: ۱۱۹و۱۲۰)

حاکم شدن نگرش تجربه شده دهه ۱۹۶۰ بر برنامه چهارم در کنار لحاظ کردن تغییر و تحولات شرایط بین المللی در مسیر تاریخی آن، منجر به تدوین برنامه‌ای شده است که مجموعه ناسازگاری را تشکیل می‌دهند. ازجمله پدیده رقابت پذیری و عدالت اجتماعی، جهانی شدن و حفظ هویت

www.SID.ir

Archive of SID

فرهنگی ایرانی، آمایش سـرزمین و توازن منطقه‌ای، نمودی از این مجموعه ناسـازگار اسـت که به شکل ناهمگن کنار هم قرار گرفته است. (مرکز تحقیقات استراتژیک، ۱۳۸۵: ۸۲)

بررسی مواد لوایح برنامه¬های سوم و چهارم توسعه که در فضای غلبه گفتمان اصلاح طلبی بر کشـور تصـویب و اجرایی شـد، ما را به سـوی این یافته‌ها رهنمود می‌کند که دولت خاتمی اهتمام ویژه‌ای به امر سلامت در جامعه داشته و تلاش کرده است کمبودها و کاستی‌های دو برنامه پیشین در حوزه سـلامت را جبران کند. بر این اسـاس، برنامه سـوم توسـعه با هدف افزایش کارآیی، جلب مشارکت بخش غیر دولتی و ساماندهی نظام ارائه خدمات (در زمینه‌هایی از قبیل سطح‌بندی خدمات و اصلاح شبکه بهداشت و درمان کشور) تدوین شد. (مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۹: ۴)

برای تامین عدالت آموزشی و رسیدگی بیشتر به مناطق نیازمند و کمتر توسعه یافته، نمی از مواد قانون برنامه سوم در بخش آموزش و پرورش به تامین منابع مالی جدید، شامل معافیت‌های مالیاتی و اخذ عوارض از کالا و خدمات، تقویت صندوق ذخیره فرهنگیان و استفاده از اجاره دریافتی از اماکن و فضاهای آموزشی اختصاص یافته است. در طول برنامه سوم توسعه چالش‌ها و محدویت‌های وزارت آموزش و پرورش از جمله محدودیت منابع، نابرابری در دستیابی به فرصت‌های آموزشی، عدم نگرش نظام مند به منابع انسـانی آموزش و پرورش به عنوان اصـلی‌ترین زیر سـاخت جامعه .... مطرح شـده است. و در برنامه چهارم توسعه اهم برنامه¬های اصلاحی این برنامه عبارت بود از بازنگری اساسی در برنامه¬های درسـی، اصـلاح روش‌های پیشـرفت تحصـیلی دانش آموزان، تقویت جایگاه تربیت، اجرای مدیریت مشارکت مدرسه محور، اصلاح ساختار تشکیلات حوزه ستادی با رویکرد تمرکززدایی، پژوهش محوری در برنامه¬ها بی‌عدالتی و نابرابری‌ها در ابعاد مختلف، به ویژه بین مناطق مرکزی و پیرامونی می‌تواند شکاف‌های سیاسی را عمیق‌تر کند و نارضایتی ناحیه‌ای را موجب گردد. و مانعی اساسی بر سر راه دستیابی به احساس وجود هویت مشترک و توسعه پایدار سیاسی گردند. یکی از رایج‌ترین و متعارف‌ترین تبیین‌ها برای وجود شـکاف‌های قومی، توزیع نابرابر منابع ملی و بی‌توجهی حکومت‌های مرکزی به نیازهای معیشتی و توسعه‌ای مناطق سکونت گروه‌های قومی است. (اخباری، غم پرور و بزله، ۱۳۹۴: ۳۸– ۵۰)

مهم‌ترین ویژگی برنامه سوم این است که در این برنامه بر مشکل‌یابی و نهاد سازی برای حل مشکلات کشور تاکید شده است. لذا طراحان برنامه سوم عمدتاً به دنبال یافتن خط‌مشی‌هایی بوده‌اند که بتوانند کل جامعه را متحول کنند، بنابر این برنامه سوم مجموعه‌ای از سیاست‌ها و راه حل‌ها است.

www.SID.ir

Archive of SID

این برنامه به م شکلات مهمی می‌پردازد که جامعه ایران در دهه سوم انقلاب با آن مواجه ا ست. در این برنامه، تحقق عدالت اجتماعی در اولویت قرار گرفته و ر شد سریع اقتصادی، ا شتغال زایی و مهار تورم از راه‌های نیل به این مق صود بر شمرده شده ا ست. اموری هم چون ا صلاح ا سا سی ساختار اقتصـادی، افزایش کارآیی مدیران، ایجاد شـبکه‌های تامین اجتماعی کارآمد و کاهش وابسـتگی به درآمدهای نفتی مورد تاکید است. (پژویان، طالبلو و دیگران، ۱۳۸۷: ۱۸۷)

بهره‌مندی از خدمات گران قیمت که در اثر اسـتفاده از تجهیزات با تکنولوژی بالا ایجاد می‌گردد از دغدغه‌های کلیه نظام‌های سلامت ا ست چرا که ایجاد عدالت در این حوزه ب سیار سخت ا ست و دولت¬ها مسـئول ایجاد این خدمت برای آحاد مردم هسـتند. ولی از سـوی دیگر امکان ایجاد این خدمات با محدودیت‌های بودجه‌ای که در حوزه سلامت وجود دارد و هم چنین وجود امکانات درمانی و تخصیص‌های لازم، علی‌الخصوص در مناطق محروم خود می‌تواند سبب عدم اجرای عدالت با شد. در برر سی انجام شده میزان د ستر سی بیمه شدگان سازمان تامین اجتماعی به امکانات سی. تی. ا سکن و ام. آر. آی مورد برر سی قرار گرفت در سال ۱۳۸۲ ا ستان سی ستان و بلوچ ستان بی شترین دسـترسـی و بوشـهر کمترین بهره‌مندی را دارا بود. این بررسـی در خصـوص اسـتفاده از دسـتگاه ت صویربرداری در سال ۱۳۸۲ ا ستان سی ستان و بلوچستان بی شترین د ستر سی و ایلام و چهارمحال بختیاری، سـمنان، کهگیلویه و بویراحمد و لرسـتان بدون داشـتن تجهیزات کمترین بهره‌مندی را دا شته‌اند. ولی در سال ۱۳۸۵ منطقه کا شان بی شترین د ستر سی و فقط ایلام فاقد د ستگاه ام .آر. آی بوده است. (هاشمی، ۱۳۸۶: ۲۰۱ – ۲۰۴)

خاتمی در ارا ئه‌ی بر نا مه¬ها و لوایح بود جه‌ی خود به مجلس، رفع فقر و محرومیت و تحقق عدالت اجتماعی و د ستر سی امکانات برای همه‌ی مردم را جز برنامه¬ها خود می‌دانست. ولی با ادامه دادن راه و روش رف سنجانی عملاً تغییر مح سو سی در اجرای عدالت اجتماعی به علت پیاده کردن و دنباله روی از سیاست و خط‌مشی رفسنجانی همان نتایج را شاهد هستیم.

۸. مفهوم عدالت در دولت احمدی نژاد

احمدی نژاد دولت عادله را دولتی می‌داند که در خدمت خلق با شد. بر این ا ساس، عدالت در شریعت اسلام چیزی جز خدمت رسانی نیست، او برداشت خود از عدالت به سیره ائمه β مستند می‌کند:

> سـازمان‌ها، نهادها و عناوین در نظام جمهوری اسـلامی هیچ شـانی جز خدمت گزاری به مردم ندارد. همه این اسم‌ها، اختیارات، امکانات و چرخش کارهایی که

www.SID.ir

Archive of SID

در اختیار ما ست، امانت مردم برای خدمت گزاری ا ست، هرکس خدمت گزارتر، عزیزتر و مدیرتر .... خدمت گزاری مهم‌ترین وظیفه دولت و مقوم دو اصل عدالت و مهرورزی است. (احمدی نژاد، ۱۳۸۴/۴/۱۲)

بنابراین آقای احمدی نژاد و ســـنت فکری حامی وی، اول به دنبال برقراری عدالت و عدالت اجتماعی در جامعه ه ستند و زمانی که این مهم اتفاق افتاد به دنبال آزادی و ... می‌روند. در و ضعیتی که دولت¬های پیشین سعی می‌کردند در چاچوبی واقع‌گرایانه توسعه اقتصادی و توسعه سیاسی را با ابزارهای مدنی از اندیشه‌های اقت صادی و سیا سی رایج در دنیا به جامعه ایران بک شانند، احمدی نژاد منادی دولت عدالت محور و مهرورز شـــد. از دیدگاه احمدی نژاد اگر فرصـــت‌ها و امکانات به طور م ساوی به همه افراد جامعه و همه مناطق جامعه یا هر فرهنگ و هر و ضعیتی داده شود. عدالت اجرا شده ا ست، به عبارت دیگر، عدالت در صورتی تعریف می¬ شود که امکانات ارائه شده به دورترین منطقه مرزی با امکانات ارائه شده به شهرهای بزرگ تفاوتی نکند. احمدی نژاد معتقد بود که متاسفانه علی‌رغم تلاش‌های دولت قبلی، امکانات به طور عادلانه تقســـیم نشـــده و عده معدودی از امکانات بیشتر و شمار زیادی از امکانات کمتر برخوردارند و همین م سئله باعث ایجاد طبقه ثروتمند در جامعه شده ا ست. برای همین دولت تلاش می‌کند که به طبقات آ سیب‌پذیر (م ست ضعفین) جامعه امکانات لازم را ارائه بدهد. ایشان در توضح عدالت می‌گوید:

عدالت یعنی چه؟ عدالت از موا ضع اداره ک شور و از و ضع مدیریت، یعنی توزیع عادلانه منابع و فرصـــت‌ها در همه مناطق کشـــور و برای همه آحاد ملت ایران، یعنی هر جوانی در هر کجای کشـــور از فرصـــت‌های یکســـان برای شـــکوفایی اســـتعدادهایش برخوردار باشـــد. اجرای عدالت یعنی همه جای کشـــور با هم و هماهنگ پی شرفت بکند. اجرای عدالت یعنی فر صت‌های ک شور به طور عادلانه برای همه مردم توزیع بشود. اجرای عدالت یعنی بستن راه در مقابل کسانی که با اتصال به قدرت، باند، گروه و جناح فرصت‌های بیشتری را در اختیار می‌گیرند (جولانی، ۱۳۹۶: ۱۲۶)

جلوه دیگر، رفع مشکلات و اصلاح عقب افتادگی‌های تاریخی برخی از مناطق کشور است. جلوه دیگر، ایجاد فر صت‌های برابر برای ر شد و شکوفایی ا ستعدادها ست. فر صت‌های برابر برای همه در تحصیل علم، بهداشت و در استفاده از تسهیلات و سزمایه‌گذاری‌های منابع عمومی، کارهای بحرانی، اشتغال، عدالت در یافتن استعدادها و خلاقیت‌ها و دادن فرصت بروز به آن‌ها و جلوگیری از هرز رفتن

www.SID.ir

Archive of SID

آن‌ها ست. جلوه دیگر عدالت، مبارزه با فساد و تبعیض است. آن چیزی که جامعه بیش از هر چیز از آن رنج می‌برد و البته می‌دانید که جزء سخت‌ترین مراحل اجرای عدالت، مبارزه با تبعیض، فساد و ویژه خواری‌هاست، جایی که در بسیاری از اوقات خیلی از دوستان می‌ایستند و مقابله می‌کنند. جلوه دیگر عدالت، حمایت از مستضعفان و مظلومان است. کسانی که دست‌شان به جایی نمی‌رسد و صدای بلند ندارند که به گوش مسئولین و تصمیم‌گیران برسد و کسی آن‌ها را حمایت نمی‌کند. جلوه دیگر عدالت، اولویت گذاری در برخوردهاست. طبیعی است که در مبارزه با فساد و تبعیض باید ریشه‌ها و درشت‌ترها برخورد کرد و یکی از جلوه‌های اجرای عدالت، مبارزه با کسانی است که با استفاده از نفوذ و استفاده از منتفذین فساد می‌کنند. این بدترین نوع فساد است. کسانی که رابطه، استفاده از امتیاز اطلاع داشتن و حمایت شدن سوء استفاده می‌کنند. (جولانی، ۱۳۹۶: ۱۲۷)

۹. عدالت در عمل در دولت احمدی نژاد

در تحلیل محتوای سخنرانی‌های احمدی نژاد، مقوله ارزش‌های اجتماعی، اولین اولویت ایشان از بین ارزش‌های چندگانه انقلاب و امام خمینی بوده است و بیشترین تاکیدات ایشان بر روی شاخصه‌های عدالت گرایی و رفع تبعیض، مردم گرایی و حمایت از محرومان، خدمت رسانی به توده‌های مردم و غیره می‌باشد. احمدی نژاد با نقد توسعه اقتصادی دولت¬های پیشین معتقد است: باید توسعه اقتصادی و روند خصوصی سازی در آن به جای واگذاری شرکت‌های دولتی به فرد یا افراد خاص (فرزند سازی)، به شکل توزیع این شرکت‌ها به صورت‌های مختلف بین عامه مردم پیگیری شود. به همین دلیل، ایشان راه کارهایی هم چون توزیع سهام عدالت، حمایت از بنگاه‌های کوچک و زودبازده، .... به اقشار محروم و دهک‌های پایین درآمدی را بر می‌گزیند. (مرشدی زاد و دیگران، ۱۳۹۰: ۱۲۱–۱۲۲)

دولت و گفتمان عدالت محور با تاکید و تلاش در راستای تخصیص عادلانه امکانات، منابع و خدمات در سطح اجتماع و میان آحاد جامعه، در اصل به دنبال تحقق عدالت اجتماعی بود و در راستای چنین باور عدالت محوری بوده است که در حوزه سلامت، طرح‌ها و اهدافی را تعقیب می‌کرد که رنگ و بوی عدالت، برابری و یکسان سازی در آن به چشم می‌خورد، ازجمله آن‌ها می‌توان به «تشکیل سامانه خدمات جامع و همگانی سلامت» و یا «طرح پزشک خانواده» اشاره نمود. تحلیل گفتمان برنامه پنجم توسعه در حوزه سلامت گویای این است که در آن، توسعه «گسترش سلامت» برجسته سازی شده است، به طوری که می‌توان از آن به عنوان یکی از برجسته‌ترین نشانه‌ها در

www.SID.ir

Archive of SID

برنامه پنجم توسعه یاد کرد، که با نشانه‌های فرعی خود یعنی «تدوین برنامه¬های آموزشی ارتقا سلامت»، «فعالیت شورای عالی سلامت»، «تشکیل سامانه خدمات جامع و همگانی سلامت»، ..... از نشانه‌های اصلی گفتمان عدالت محور است. (صفری، ۱۳۹۵: ۱۰۶ – ۱۰۸)

به طور کلی می‌توان دو هدف عمده در سیاست‌های دولت اصول‌گرای رادیکال در بخش آموزش عمومی مطرح کر د: اول، تحول بنیادی مبتنی بر فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی و دوم، تاکید بر استمرار کارآموزی و کارورزی به بیانی همان بازگشت به سیاست نه چندان موفق «طرح کاد» در دوره چپ سنتی است. بررسی درون داد سیاست آموزش در دولت¬های چهارگانه از بعد برنامه¬ها و سیا ست‌های قانونی ن شان داد که این سیا ست‌ها با وجود دا شتن تغییرات جزیی، ا ستمرار و تکرار برنامه¬های پیشین است. این تکرار تا جایی است که بین شیوه برنامه‌ریزی به کار گرفته شده در سه تجربه برنامه‌ریزی (برنامه¬های اول، دوم و سوم توسعه) تفاوت محسوسی از نظر اصول کار مشاهده نمی¬ شود .و به علت نبودن فرایند ارزیابی از نتایج و پی شرفت هر یک از مراحل اجرای برنامه¬های ا صلاحی و سرانجام فقدان ضمانت‌های اجرایی، قانونی، د ست اندرکاران امر تعلیم و تربیت ناگریز به دوباره کاری در امر اصلاحات شده‌اند.

تحلیل سیاست آموزش در دولت¬های چهارگانه، نشان می‌دهد هم چنان سه مقوله «دسترسی متعادل به فرصت‌های برابر آموزشی»، «کیفیت فعالیت‌های آموزش و پرورش» و در نهایت تنها راه‌حل رهایی از مسایل و مشکلات مالی یعنی «مدیریت منابع» توجه عملیاتی نشده است. نکته مورد توجه اینکه، همواره در طول برنامه¬های توسعه، قوانین بودجه سنواتی به عنوان محورهای اصلی در حد شعار مدنظر بوده و این مقوله‌ها همواره فاقد بعد عملیاتی در برنامه¬های توسعه و بودجه سنواتی بوده ا ست. (صراف و بزرگیان، ۱۳۸۴: ۳) فقدان سیا ست‌گذاری همه جانبه و عدم تخ صیص هزینه اجتماعی لازم در بعد آموزش یکی از عوامل توسعه ناهماهنگ آموزش در کشور و پایین بودن ا ستانداردهای کیفیت تح صیل مطرح شده ا ست. تا جایی که دولت برای حل بحران مالی به سوی جلب مشارکت بخش خصوصی سوق یافت. بدین ترتیب آموزش خصوصی که در پی انقلاب و نیز بر اساس قانون اساسی جمهوری اسلامی ممنوع شده بود. بار دیگر در قالب مدارس غیر دولتی (انتفاعی) تجدید حیات کرد. بنابراین توجه به این مو ضوع ضروری ا ست که گسترش میزان با سوادی در ایران را تنها متکی بر نقش دولت و سیاست‌های آموزش و پرورش در این دوره تلقی نکرده و به نقش عوامل و تعیین کننده‌های دیگر نیز توجه نماییم.

تحلیل گفتمان عدالت در حوزه سلامت در دولت¬های پس از انقلاب اسلامی در بطن گفتمان

www.SID.ir

Archive of SID

جامع انقلاب اسلامی، نشان می‌دهد به رغم آن که عدالت اجتماعی و اجرای آن از سیاست‌های اصلی و محوری تمامی دولت¬های پس از انقلاب اسلامی بوده است. اما مسئله عدالت اجتماعی هم چنان با مشکلات نظری و عملی زیادی در حوزه‌های مختلف روبه رو است، چون دیدگاه سیستمی و ترکیبی به معنای جامع خود، یعنی توجه به «برابری فرصت‌ها و منابع» و «در نظر گرفتن شایستگی و استحقاق‌ها» و در عین حال «پرداختن به اصل جبرانی و مکانیزم حمایتی از آسیب دیدگان» و «اصول مختلف قانون اساسی» و «دیدگاه رهبران انقلاب مانند شهید مطهری و، امام خمینی بنیان‌گذار انقلاب و مقام معظم رهبری» به صورت توامان در هیچ دولت¬ها تحقق نیافته است. این امر ناشی از عوامل مختلفی از جمله «نگرش سطحی و نه چندان دقیق نسبت به مفهوم عدالت اجتماعی «از دیدگاه رهبران انقلاب و قانون اساسی و اسلام»، تک بعدی و تک سویه از عدالت اجتماعی در دولت¬های پس از انقلاب، گسست بین آرمان‌های انقلاب و قانون اساسی و عدم تداوم گفتمان انقلاب اسلامی و اندیشه امام و شهید مطهری و رهبری است.

اگر مطالعات نظری و عملی پیوسته و دقیق‌تری صورت می‌گرفت و تداوم گفتمانی در حوزه عدالت در طول این سال‌ها رخ می‌داد، سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌های منسجمی را سبب می‌گردید و مطمئناً این می‌توانست دستیابی بیشتر و جامع‌تری به عدالت اجتماعی را پی داشته باشد، که در قالب آن، سهم دولت و آحاد جامعه از هزینه‌های مربوط به بخش سلامت و آموزش و توزیع درآمد و ثروت و .... به صورتی عادلانه تقسیم شود. در طول چهار دهه گذشته، با وجود تجربه گفتمان‌های سازندگی، اصلاحات و عدالت محور، ..... شاهد آن هستیم که اکثر هزینه‌های حوزه سلامت، آموزش، فرهنگی، امنیت غذایی، حتی قضایی و سایر امکانات مختلف بر شانه‌های خانوارهای ایرانی سنگینی کرده، و در توزیع درآمد و ثروت و اشتغال و .... در مقابل دولت سهم ناچیزی از چنین بار سنگینی را متقبل می شوند، تسهیمی که ماحصلی جز بی‌عدالتی گفتمان عدالت در حوزه‌های مختلف در جمهوری اسلامی ایران به دنبال نداشته است. این بی‌عدالت در حدی بود و هست که رهبر معظم انقلاب فرمودند: ما در زمینه عدالت عقب هستیم و عقب مانده هستیم و باید از خدا و مردم در این زمینه عذر خواهی کنیم.

بنابراین، علی رغم تاکید قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بر منع تبعیض و اهتمام به توزیع متناسب امکان فعالیت‌های اقتصادی و بهره‌برادری از منابع طبیعی بین استان‌ها و گستره سرزمینی (اصل چهل و هشتم) و با وجود تلاش‌های صورت گرفته در این راستا، هم چنان شاخص‌ها و یافته‌های پژوهشی حاکی از استمرار نابرابری میان این مناطق‌اند، گونه‌ای از نابرابری که به باور

www.SID.ir

Archive of SID

کاستلز، مختص به درون جوامع نبوده، در سطح جهانی و میان کشورها نیز نشان دهنده روندی ناظر بر نابرابری شدید بین سطوح بالا و پایین جامعه جهانی است. (سید رضایی و پور عزت، ۱۳۹۵: ۴۸۵)

یکی از مهم‌ترین ابزارهای موجود برای تحقق عدالت توسط حکومت‌ها، بودجه است، بودجه ابزار تهیه و تدارک اهداف و مسیر نیل به آن‌ها بوده (شیم و سگل، ۲۰۰۵: ۱) حاکی از یکپارچه‌ترین و جامع‌ترین چارچوب تصمیم‌گیری در حکومت است (لاوت، ۱۹۸۷: ۱۹۱-۲۰۲)، به بیانی، بودجه به نحو منحصر به فردی، چارچوب جامع و خردمندانه‌ای در دسترس قرار می‌دهد تا بتوان برای آنچه حکومت باید انجام بدهد و نحوه انجام آن، تصمیم‌هایی اتخاذ کرد. (هاونس، ۱۹۸۳: ۳۴۱-۳۵۴) بنابراین، حکومت مکلف است به منظور برقراری عدالت بین همه اقشار جامعه، هدف گذاری کند و در این راه از کلیه ابزارهای خود استفاده نماید. یکی از مهم‌ترین ابزارهای تحقق عدالت اجتماعی، بودجه عمومی است، ابزاری که از آن حتی به منزله «مهم‌ترین اقدام اخلاقی حکومت است. (سید رضایی و پورعزت، ۱۳۹۵: ۴۸۴) بر همین اساس، مردم هر منطقه باید فراخور نیازهای خود، به نحوی از مزایای حیات اجتماعی بهره‌مند شوند که ضمن برخورداری از امنیت، رفاه و آگاهی، به ادراک قابل قبولی از برابری، عدالت و آزادی برسند.

صرف نظر از مبنای واحد و بنیادین تعریف عدالت، نحوه اجرای عدالت نیز از جمله امور بسیار مهمی است که جوامع را متمایز می‌سازد. در این میان، بودجه نقش بسیار تعیین کننده‌ای در نحوه اجرای عدالت اجتماعی در سطوح ملی و منطقه‌ای دارد، به ویژه، رعایت عدالت منطقه‌ای در توزیع و تخصیص و هزینه کرد بودجه که تاثیر بسیار مهمی بر تعیین سرنوشت و ترسیم روند توسعه کشورهای گوناگون می‌گذارد.

در حرکت عظیم انقلاب اسلامی، که مهم‌ترین و شاخص‌ترین ویژگی آن این است که خط‌مشی انقلاب توسط اسلام تعیین شده، عدالت از اساسی‌ترین و عمیق ترین گفتمان‌ها ست که بدون فهم آن، درک صحیح از انقلاب و اسلام ممکن نخواهد بود. بی‌شک بدون تصور درست از اسلام در کلیت و تمامیت و با توجه به ویژگی‌ها و اصول آن، نمی‌توان انقلاب را، که در آرمان‌های ژرف اسلامی ریشه دارد، حتی به طور ناقص درک کرد، از همین رو فهم انقلاب و همه گفتمانهایش، به ویژه عدالت و معنویت، که اساساً هویتی دینی دارد، بدون شناخت دقیق آن تعالیم میسر نیست. (فخرزارع، ۱۳۸۸: ۳۴)

به رغم اینکه اجرای برنامه¬های توسعه در کشور دستاوردهای مهمی داشته است، اما بر اساس شواهد می‌توان این گونه داوری نمود که تلاش دولت¬های مختلف ایران برای توسعه همه جانبه، با

www.SID.ir

Archive of SID

موفقیت کامل همراه نبوده است و تصویر واقعی توسعه در ایران با تصور مبتنی بر توسعه نا سازگار است. بررسی چرایی این موضوع نیازمند نگاه عمیق و موشکافانه به رویکرد و عملکرد دولت¬ها در ایران به عنوان کارگزاران برنامه¬های توسعه است. برای تحلیل و بررسی چگونگی عملکرد توسعه دولت¬ها، توجه به رویکرد آن‌ها نسبت به توسعه ضروری می‌باشد. (فلاحت پیشه و شورچی، ۱۳۹۵: ۱۱۸)

بر این اســـاس، در طول حیات نظام جمهوری اســـلامی، به رغم روی کار آمدن دولت¬های مختلف، عدالت اجتماعی همواره از دغدغه‌های دولت¬های پس از انقلاب اســـلامی بوده اســـت. با وجود این، مسئله مذکور در طی قریب به چهار دهه گذشته با چالش‌های نظری و عملی فراوانی روبه رو شده است، چرا که سیاست‌های اعمال شده در راستای عدالت اجتماعی در حوزه‌های مختلف، بیشتر از اینکه پروسه‌ای و مبتنی بر برنامه‌ریزی مستمر و هدفمند باشد، حالت منقطع، پروژه‌ای و قائم به فرد پیدا کرده است .هر دولتی بر حسب شرایط روز و با برداشت خاص خود از عدالت اجتماعی، آن را تعریف و اجرایی کرده است. از این رو، در هر یک از دولت¬های پس از انقلاب و گفتمان سیاسی و اجتماعی مربوط به آن‌ها، باز تعریف نوینی از مقولات مرتبط با حوزه‌های مختلف را شـاهد بوده‌ایم، که حاکی از رویکردهای متفاوت و گاهی تضاد دولت¬های مختلف به این موضوع است.

برنامه‌ریزی در ایران اساساً از فقدان یک رویکرد سیستمی، پویا و مبتنی بر روش شناسی روشن رنج می‌برد که در ارزیابی برنامه¬های قبل و بعد از انقلاب اســـلامی مشـــهود می‌باشـــد. تمرکز بر تجربیات ســایر کشــورها بدون ملاحظات و مقتضــیات خاص جامعه ایران و اســتفاده از منابع فکری وارداتی باعث ابهام و نهایتاً کاستی در روایی و پایایی برنامه¬های توسعه اقتصادی، اجتماعی در ایران شده است. برنامه¬های توسعه اقتصادی، اجتماعی جمهوری اسلامی هم چنان دچار ابهام در دیدگاه نظری و عدم استفاده از اصول و روش‌های معینی بوده است.

مقام معظم رهبری نیز اصلی‌ترین ضرورت کنونی جامعه ما را عدالت می‌دانند. ایشان به صراحت در سخنان خود گفتمان عدالت محوری را دغدغه محوری مسئولان دانسته‌اند، «گفتمان عدالت» یک گفتمان اساسی است، همه چیز ماست. منهای آن جمهوری اسلامی هیچ حرفی برای گفتن نخواهد داشـــت، باید آن را داشـــته باشـــیم این گفتمان را باید همه‌گیر کنید، به گونه‌ای که هر جریانی، هر شخصی، هر حزبی و هر جناحی سر کار بیاید، خودش را ناگریز ببیند که تسلیم این گفتمان شود یعنی برای عدالت تلاش کند و مجبور شـود پرچم عدالت را بر دسـت بگیرد، این را شـما باید نگه دارید و حفظ کنید.» (نیکنام و هلالی، ۱۳۸۴: ۱۳۶ – ۱۳۷)

www.SID.ir

Archive of SID

نتیجه گیری

دولت موسوی تعریف دقیق و مشخصی از عدالت اجتماعی ارائه نداده است و این خلا بزرگ در گفتمان او موجب شده است که این دولت بر اساس برداشت‌های خود از عدالت اجتماعی دست به انتخاب ابزارهای سیاست‌گذاری بزند. مهم‌ترین دغدغه او وجود شکاف‌های عمیق بین فقیر و غنی بود که از دوران پهلوی به جا مانده و بر این اساس، مبارزه با آن را سرلوحه گفتمان خود قرار داده است.

ولی گفتمان سازندگی هاشمی نیز نتوانست عدالت اجتماعی را تحقق بخشد. محور اصلی انتقاد به این گفتمان، بی‌توجهی به ابعاد سیاسی و فرهنگی عدالت اجتماعی، مبانی فکری اسلام و اندیشه‌های رهبران انقلاب (شهید مطهری، امام خمینی و رهبری) و تاکید یک سویه و افراطی بر رشد اقتصادی و سیاست‌های تعدیل، آسیب¬های فراوانی برای انقلاب اسلامی و عدالت اجتماعی و مبانی فکری و شاخص‌های عدالت اجتماعی مورد قبول رهبران انقلاب ایجاد کرد. در این دوره، ارزش‌های انقلابی، مانند ایثار و شهادت، معنویت خواهی، قناعت و ساده زیستی رفته رفته بی‌رنگ شد و عواملی مانند تحولات سریع اقتصادی و ایجاد رقابت برای کسب قدرت و ثروت، رانت و ارزش‌های مادی در برابر ارزش‌های اسلامی و انقلابی مطرح شد. در نهایت گفتمان سازندگی با ناکارآمدی‌ها و انتقادات فراوانی روبه رو شد که از بستر آن گفتمان اصلاح طلبی ظهور یافت.

از آفت‌های مهم گفتمان اصلاحات عرضه نظریه‌های ترجمه‌ای، توجه نکردن به مشکلات و مسایل ملموس جامعه ایرانی در باره موضوعات مهمی، هم چون، منافع ملی و عدالت اجتماعی بود عدم پای‌بندی به اهداف اعلام شده مخصوصا توسعه سیاسی و عدالت اجتماعی و پای‌بند نبودن به آرمان‌های انقلاب و رهبران انقلاب. این آسیب¬ها ناکارآمدی‌ها و انتقادات فراوانی را ایجاد کرد بستر گفتمان اصول گرایی عدالت محور را فراهم کرد.

گفتمان عدالت علی‌رغم مطرح کردن شاخص های عدالت مورد نظر رهبران انقلاب و تلاش جهت اجرای آن‌ها، ولی متاسفانه مانند گفتمان‌های سابق بر یکی از ابعاد عدالت اجتماعی، آن هم عدالت اقتصادی تمرکز کرد که از تک بعدی بودن گفتمان ایشان حکایت می‌کند.

منابع

۱. اخباری، محمد، غم پرور، احمد و بزله، احمد ،۱۳۹۴،« تبیین توسعه پایدار سیاسی : مطالعه موردی ایران »، ***ژئوپلیتیک***، شماره ۳۹

www.SID.ir

Archive of SID

۲. احتشامی، انوشیروان، ۱۳۷۸، ***سیاست خارجی در دوران سازندگی***، ابراهیم متقی و زهره پوستین چی، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی .

۳. اشرافی، مرتضی، ۱۳۹۰، ***تحول گفتمان توسعه در جمهوری اسلامی ایران***، تهران، وحدت بخش .

۴. اکبری، نعمت الله، فرهمند ؛ شکوفه، جمالی، سمیه ۱۳۹۰،« تحلیل فضایی تاثیر سیا ست های مالی دولت بر نابرابری درآمد در ایران با رهیافت اقتصاد »، ***اقتصاد مقداری***، دوره هشتم ، شماره ۳

۵. افتخاری، اصغر، ۱۳۸۶،«عدالت به مثابه «تعدیل" : درآمدی بر نظریه ی امام خمینی (ره) در باب عدالت ملی و بین المللی»، ***دانش سیاسی***، شماره ۵

۶. امیری فر، امیر علی، ۱۳۷۹ ،***گامی در ساماندهی اقتصاد ایران امروز و آشنایی با اقتصاد حکومت ا سلامی و بازار***، تهران، انتشارات طاووس بهشت .

۷. بشیریه، حسین، ۱۳۸۱، ***دیباچه ای بر جامعه شنا سی سیا سی ایران دوره جمهوری اسلامی ایران***، تهران، نگاه معاصر .

۸. بهروزلک، غلام رضا و ضابط پورکاری، غلام رضا، ۱۳۹۱،«چالش های نظری عدالت اجتماعی در دولت¬های جمهوری اسلامی ایران »، ***علوم سیاسی - دانشگاه باقرالعلوم***A ،سال پانزدهم، شماره ۵۷

۹. پژویان، جمشید، طالبلو، رضا و دیگران، ۱۳۸۷،« مقایسه و تحلیل عملکرد اقتصادی دولت¬های پس از انقلاب اسلامی (اهداف، سیاست ها، برنامه¬های توسعه و عملکرد) »، ***راهبرد توسعه***، شماره ۱۵

۱۰. پور حسین، مهدی ،۱۳۸۴،« اقتصاد عدالت محور از دیدگاه آیت الله رفسنجانی »، ***حکومت اسلامی***، شماره ۳۶

۱۱. پیغامی، عادل، ۱۳۸۷، «تحلیل مبادی هستی شناسی و معرفت شناسی مسئله عدالت در اندیشه مرتضی مطهری»، ***مطالعات اقتصاد اسلامی***، سال اول، شماره اول

۱۲. حاضری، محمدعلی، ۱۳۷۷، «***مدارس غیر انتفاعی و تحرک اجتماعی با***

www.SID.ir

Archive of SID

تکیه بر مطالعه در شهرستان یزد»، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات.

۱۳. خاتمی، سیدمحمد، ۱۳۷۹ ،*توسعه سیاسی، توسعه اقتصادی و امنیت*، تهران، طرح نو .

۱۴. خبرگزاری فارس، ۹ مهر ۱۳۹۳ ، *سایه توسعه سیاسی بر عدالت اجتماعی در دولت اصلاحات*، به نشانی https : //www.farsnews.com

۱۵. خواجه سروی، غلام رضا، ۱۳۸۶، «فراز و فرود گفتمان عدالت در جمهوری اسلامی ایران »، *دانش سیاسی*، شماره ۶ .

۱۶. جولانی، محمد، ۱۳۹۶، *چالش عدالت و توسعه در دولت¬های جمهوری اسلامی ایران*، تهران ،پیشروفناوری قائد

۱۷. ساعی، علی، قاراخانی معصومه و مومنی فرشاد، ۱۳۹۱ ،« دولت و سیاست آموزش در ایران از سال ۱۳۶۰ تا ۱۳۸۸ ش»، *علوم اجتماعی (دانشگاه علامه طباطبایی)* ، شماره ۵۶.

۱۸. سید رضایی، میریعقوب و پور عزت، علی اصغر ۱۳۹۵، «رصد چالش های سیستم بودجه بندی ایران با هدف توسعه رویکرد عدالت منطقه ای با تکنیک فازی، *بررسی های حسابداری و حسابرسی*»، دوره بیست و سوم، شماره ۴ .

۱۹. صراف، حمیدرضا، برزوئیان صمد، بزرگیان کوروش، ۱۳۸۳، «*عملکرد بخش مالی آموزش و پرورش در برنامه سوم توسعه بر اساس برخی شاخص های مالی و اقتصادی*»، مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی، بخش آموزش و پرورش .

۲۰. صفری شالی، رضا، ۱۳۹۵، «گفتمان عدالت دولت¬های پس از انقلاب در حوزه سلامت»، *مطالعات راهبردی*، شماره ۷۴

۲۱. علیزاده، حسین، و رضوی، سبحان، ۱۳۸۰، *گلبانگ سربلندی، ۲۰۰۱ سخن و نکته از اندیشه های سید محمد خاتمی*، تهران، روزنامه سلام، چاپ اول .

۲۲. فلاحت پیشه ، حشمت الله و شورچی، حافظ، ۱۳۸۸، «بررسی مقایسه ای رویکرد توسعه ای

www.SID.ir

Archive of SID

دولت¬های هفتم و هشتم (اصلاحات) و نهم و دهم (عدالت) »، ***رهیافت انقلاب اسلامی***، شماره ۳۴ ، بهار ۱۳۹۵ .

۲۳. فخرزارع، سیدحسین، «عدالت جوهره انقلاب اسلامی »، ***زمانه***، شماره ۸۴و۸۵ .

۲۴. فوزی، یحیی ۱۳۸۴، ***تحولات سیاسی اجتماعی بعد از انقلاب اسلامی ایران***، جلد دوم ، تهران، موسسه چاپ و نشرعروج .

۲۵. کچوئیان، حسین و آقاپور، علی، ۱۳۸۵، «مطالعه تطبیقی قبل و بعد از انقلاب اسلامی: کندوکاو در نابرابری آموزشی در ایران»، ***راهبرد توسعه***، شماره ۷ .

۲۶. کیخا، نجمه، ۱۳۸۹، ***عدالت اجتماعی***، تهران، کانون اندیشه جوان .

۲۷. مرتجی، حجت، ۱۳۷۸، ***جناح های سیاسی در ایران امروز***، تهران، انتشارات نقش و نگار، چاپ چهارم .

۲۸. مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۹، تهران، ***دفتر مطالعات اجتماعی – فرهنگی***، شماره ۱۰۲۵۰ .

۲۹. مرکز تحقیقات استراتژیک ،۱۳۸۵، «آسیب شناسی نظری برنامه¬های توسعه اقتصادی»، ***پژوهش نامه اقتصادی***، شماره ۳ .

۳۰. مرشدی زاد، علی، مرتضوی، سیدعیسی، غفاری هشجین، زاهد، ۱۳۹۰ ،« بررسی و ارزیابی میزان پای بندی سه رییس جمهور به ارزش های انقلاب اسلامی مورد تاکید امام خمینی »، ***معرفت***، شماره ۱۶۹ .

۳۱. مصباحی مقدم، غلام رضا، ۱۳۷۰، «بررسی اختلافات موجود در اقتصاد جمهوری اسلامی ایران»، ***نورعلم***، دوره چهارم، شماره ۶ .

۳۲. مصلی نژاد، غلام عباس، ۱۳۸۴، ***آسیب شناسی توسعه اقتصادی در ایران***، تهران، قومس، چاپ اول.

۳۳. مطهری، مرتضی، ۱۳۷۶، ***بیست گفتار***، قم، انتشارات صدرا، چاپ دوازدهم .

۳۴. _____ ، ۱۳۷۲، ***عدل الهی***، تهران، شرکت سهامی انتشار.

۳۵. _____ ، ۱۴۳۵ ق ، ***بررسی اجمالی مبانی اقتصادی اسلام***، تهران، حکمت .

www.SID.ir

Archive of SID

۳۶. موسوی خمینی ، سید روح الله، ۱۳۸۵، ***صحیفه امام: مجموعه آثار امام خمینی***ε ، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ج ۱ .

۳۷. _____ ، ۱۳۸۵ ، ***مجموعه آثار امام خمینی***، تهران، موسسه نشر آثار امام خمینی، ج ۳ .

۳۸. _____ ، ۱۳۸۵، ***مجموعه آثار امام***، تهران، مو سسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ج ۵ .

۳۹. _____ ، ۱۳۸۵، ***مجموعه آثار امام خمینی***، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ج۲۱ .

۴۰. موسوی، سیدمیرحسین، ۱۳۷۷، ***پنج گفتار در باره انقلاب، جامعه، دفاع مقدس***، تهران نشر فرهنگ اسلامی .

۴۱. منیعی، مجید، و خورسند، فاطمه، ۱۳۸۸، «محرومیت زدایی و عدالت آموزشی مهم ترین دستاورد دولت نهم در آموزش و پرورش» ، ***برنامه***، شماره ۳۳ .

۴۲. نوایی، علی اکبر، ۱۳۸۰، «آسیب شناسی جدایی دین، توسعه و عدالت اجتماعی»، ***پژوهش های اجتماعی اسلامی***، شماره ۳۰ .

۴۳. نیکنام، احمد و هلالی، محمد ر ضا، ۱۳۸۴، ***دولت عدالت***، قم، انتشارات تینیم اندیشه، چاپ چهارم

۴۴. هاشمی، سیدابراهیم، ۱۳۸۶، « عدالت در گسترش خدمامات درمانی گران قیمت و دارای تکنولوژی پیشرفته در جهت ارتقای سلامت بیمه شدگان»، ***تامین اجتماعی***، شماره ۲۸

٤٥. Havens. H. S. (1983) integrating evaluation and budgeting. In Gerald J. Miller , W. Bartly Hildreth , and Jack rahin (Eds) , 2001. performance – based budgeting : an ASPA classic , pp. 341-354 .Colorado : Westview press .

٤٦. Lauth. T.p.(1987). Budgeting and productivity in state government : not integraed but friendly .In Gerald J. Miller , W. Bartly Hildreth , and Jack rahin (Eds) , 2001 , performance – based budgeting : an ASPA classic , pp. 191-202. Colorado : westview press.

٤٧. Shim .J.K. and Siegel. J. G. (2005) Budgeting basics and beyond. New Jersey : John Eiley and sons. inc.

www.SID.ir

Archive of SID

www.SID.ir

Archive of SID

www.SID.ir